

واسازی معنایی فضای درون ذهنی مشارکت‌کنندگان در گروه‌های روان‌شناسی عامیانه: مطالعه‌ای کیفی از اعضای گروه "ب"^۱

زهرا توللی^۱، سمیه هاشمی^۲، حبیب احمدی^۳، علی روحانی^{۴*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

tavallali.z@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

hashemisomaye65@gmail.com

۳- استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

h.ahmadi@rose.shirazu.ac.ir

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

aliruhani@gmail.com

چکیده

گروه‌های روان‌شناسی عامیانه سال‌هاست که در ایران به صورت غیر قابل انکاری رواج یافته و حتی پرفروش‌ترین کتب سال برای سالیان متمادی مربوط به این ایده بوده است. از آنجا که بیشتر مشارکت‌کنندگان در این گروه‌ها پس از اتمام دوره دچار اختلال در روابط با دیگر اعضای جامعه می‌شوند و با فرهنگ جمعی نمی‌توانند هم‌نوایی لازم را داشته باشند، پژوهش کیفی حاضر درصدد بوده است با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به واسازی معنایی بین ذهنی اعضای یکی از گروه‌های روان‌شناسی عامیانه (گروه "ب") بپردازد. هدف از این پژوهش، در واقع استخراج و شناخت معنای مسلط بر اجتماع بین‌الذهانی این گروه بوده است. در این راستا، با استفاده از روش‌شناسی کیفی، روش تحقیق مردم‌نگاری در انجام عملیات تحقیق و روش مطالعه موردی در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. با تحلیل داده‌ها، ابتدا تم‌های فراوانی استخراج شد که در تحلیل نهایی این مفاهیم در زیر پنج تم اصلی شامل انسان محوری، نفی غایت‌گرایی، اصالت نگرش و نفی بایدها و نبایدها، احساس محوری و برخورد احساسی نسبت به ظلم قرار گرفتند. نتایج تحقیق حاکی از این واقعیت بود که عمده نیازهای مشارکت‌کنندگان برای

^۱ - برای حفظ اخلاق تحقیق از نام مستعار برای گروه مورد مطالعه و سایر مطالعه‌شوندگان استفاده شده است.

شرکت در این گروه، مشکلات خانوادگی، بی‌هدفی، ناامیدی و اختلال در ارتباط بوده است. ویژگی اصلی و تم غالب این گروه، گذشته از در محور قرار دادن انسان و احساسات او، نفی تمامی ارزش‌ها، باورها و باید و نبایدهای غالب است.

واژه‌های کلیدی: روان‌شناسی عامیانه، رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، واسازی معنایی، گروه "ب"، روش مردم‌نگاری و مطالعه موردی.

مقدمه

در نمایشگاه بزرگ کتاب تهران کتاب *راز* پر فروش‌ترین کتاب می‌شود (سهرابی، ۱۳۸۷) در کنار گسترش بازار پذیرش این گونه کتب، همایش‌ها و کلاس‌های متعددی با عناوینی، همچون موفقیت، تکنولوژی فکر و ... در سالن‌هایی با ظرفیت‌های فراتر از پانصد نفر برگزار می‌شود. سؤال اینجاست که چگونه و چرا چنین رویکردی در فرهنگ ایرانی این چنین گسترش یافته است و هر روزه بر محبوبیت و رونق آن افزوده می‌شود. پاسخ به این سؤال شاید ضرورت این تحقیق را در شناخت رفتارها و کنش‌های ایرانیان و فهم روابط پنهان حاکم بر آنها را آشکار سازد.

در ادبیات موجود، عمدتاً روان‌شناسی عامیانه در فلسفه و علوم شناختی بررسی شده است. فیلسوفان مسأله جایگاه روان‌شناسی عامیانه را به طرق مختلفی بررسی کرده‌اند. برخی بر این اعتقادند که روان‌شناسی عامیانه در نهایت باید به نفع نظریات علمی درباره "ذهن و مغز" حذف شود. برخی این مسأله را مطرح کرده‌اند که آیا روان‌شناسی عامیانه حذف‌پذیر است؟ برخی دیگر از توجیه روان‌شناسی عامیانه به وسیله نظریه علمی یا صرفاً از صدق یا کذب آن سخن گفته‌اند. روان‌شناسی اجتماعی حدود پنجاه سال است که روان‌شناسی عامیانه را به عنوان

روان‌شناسی عامیانه^۱ چیست؟ بسیاری از دانشمندان معتقدند روان‌شناسی عامیانه یک "چارچوب مفهومی" و/یا "شبکه‌ای اصولی" است که افراد معمولی از آن برای فهم، تبیین و پیش‌بینی رفتار و حالات ذهنی خودشان و دیگران استفاده می‌کنند (ای‌کاردت^۲، ۱۹۹۸: ۱). در واقع، اصطلاح روان‌شناسی عامیانه به ظرفیتی اشاره می‌کند که افراد عادی رفتار دیگران و شرایط ذهنی خود را توصیف، تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. در جایگاهی دیگر روان‌شناسی عامیانه معمولاً به نظریه‌ای ضمنی که مستقیماً در دسترس شناخت و آگاهی نیست، اشاره می‌کند و خود را در پوشش یک نظریه می‌بیند که افراد عادی از طریق آن بر ذهن و رفتارهای دیگران اثر می‌گذارند (ریچارد^۳، ۱۹۹۸: ۱۴۷).

در ایران کتب فراوانی در این مقوله در مؤسسات و انتشارات گوناگون و در چاپ‌های متعدد و متنوعی با عناوینی همچون موفقیت، اعتماد به نفس در ده روز و غیره به گونه فزاینده‌ای چاپ می‌شود و از سوی عموم نیز مورد پذیرش درخور توجهی قرار می‌گیرد. به بیانی ساده، در کشوری که سرانه مطالعه کتاب در شبانه روز ۱۸ دقیقه است (واعظی، ۱۳۸۹)

1 . Folk Psychology
2 . Eeckardt
3 . Richard

پذیرفته می‌شود. بنابراین، پژوهشگران حاضر این گروه را برای مطالعه برگزیدند.

چهارچوب مفهومی تحقیق: با در نظر گرفتن تفاوت‌های فلسفی و پارادایمی روش‌های کمی و کیفی در تحقیقات اجتماعی (مکسول^۱، ۲۰۰۴؛ اسکات^۲، ۲۰۰۴؛ ریچه و لوئیس^۳، ۲۰۰۵؛ پتن^۴، ۲۰۰۱) پژوهش‌های کیفی از چهارچوبی مفهومی در مقابل مبانی نظری و چارچوب تحقیق در روش‌های کیفی استفاده می‌کنند. چهارچوب مفهومی، مفاهیمی را شامل می‌شود که تمرکز اصلی مطالعه بر روی آن استوار است (کرسول^۵، ۲۰۰۷؛ پتن، ۲۰۰۱؛ بلیکی^۶، ۲۰۰۷). بدین ترتیب، پژوهش حاضر از رویکرد تفسیری در جامعه‌شناسی به منظور ساخت چهارچوب مفهومی بهره می‌برد.

رویکرد تفسیری بر خلاقیت، فعال بودن، سازندگی، سیالیت واقعیت، قابلیت ساخت معنا و قابلیت ساخت و تغییر محیط توسط انسان و به طور کلی، بر انسان کنشگر فعال معناساز تمرکز دارد (پتن، ۲۰۰۱؛ کرسول، ۲۰۰۷؛ نیومن^۷، ۲۰۰۶). در نتیجه، انسانی که فعال و کنشگر است و توان ساخت معنا را دارد، می‌تواند ساختارها را شکل داده و در واقع، ساختارها بدون حضور کنشگر معنایی در خود ندارند و این کنشگر است که ساختارها را می‌سازد. واقعیت مدام در حال تولید و شدن است و واقعیت یکسان، فراگیر و جهان‌شمولی امکانیت وجود پیدا نمی‌کند و در واقع با واقعیت‌های چندگانه‌ای مواجه هستیم نه با

"خود ادراکی"، "ادراک شخص" و اخیراً به عنوان "شناخت اجتماعی" بررسی می‌کند (ای‌کاردت، ۱۹۹۸: ۲-۵).

از سوی دیگر در ایران گروه‌ها، دوره‌ها و آثاری که بر اساس روان‌شناسی عامیانه فعالیت می‌کنند، غالباً دارای آزادی عمل کامل هستند و بحث نظری و علمی بسیار اندکی در این زمینه انجام شده است؛ به گونه‌ای که تنها یک اثر در قالب ترجمه توسط حسن حق‌شناس در بررسی و تحلیل اهداف و عملکردهای گروه‌های روان‌شناسی عامیانه در سه بعد هدف، حرکت و بازخورد (حق‌شناس، ۱۳۸۶) انجام شده است.

با توجه به اینکه ادبیات تحقیق در این زمینه بسیار اندک، پراکنده و اغلب غیرعلمی است، به خصوص، حداقل یک پژوهش کیفی یا مطالعه عمیق موردی و مردم‌نگاری در این حوزه انجام نگرفته است، از این رو، در پژوهش حاضر سعی می‌شود با اتکا به روش مردم‌نگاری در چهارچوب روش‌شناسی کیفی، دلایل رغبت مردم به این نوع گروه‌ها مطالعه و شناسایی شود. بدین جهت، یکی از پرطرفدارترین گروه‌ها و کلاس‌های روان‌شناسی عامیانه در ایران را با نام "ب" مطالعه کردیم. ویژگی‌های خاص حاکم بر این گروه، موجب اهمیت و برجستگی آن شده است. در این گروه بر کتب رایج روان‌شناسی عامیانه، همچون راز، آثار آنتونی رابینز و غیره تأکید می‌شود. اعضای سال‌های متمادی به انسجام و پایداری قابل توجهی دست یافته‌اند. همچنین، مربی و مؤسس گروه به عنوان شخصیتی خاص و کاریزماتیک از سوی اعضا

1 . Maxwell
2 . Schutt
3 . Ritchie & Lewis
4 . Patton
5 . Creswell
6 . Blaikie
7 . Neuman

است)، بلکه برعکس تحقیق ارزش محور است و ارزش‌های اجتماعی بر کنش‌ها و تعاملات محقق اثر گذار است (کرسول، ۲۰۰۷؛ ترنر^۲، ۲۰۰۳، ریتزر^۳، ۲۰۰۴؛ دنزین^۴، ۲۰۰۵، گلیزر^۵، ۲۰۰۱). بر همین اساس، اساس، در این تحقیق سعی شده است نظام معنایی جامعه مورد مطالعه، مطالعه و شناسایی گردد. بدین منظور، از روش مطالعه موردی - از روش‌های مهم تحقیقات کیفی - همراه با بررسی و تحلیل اسناد بهره گرفته شد.

روش

همان‌طور که ذکر شد؛ هدف این پژوهش کشف معانی کنش‌های جامعه مورد نظر است. از این رو، در چهارچوب روش‌شناسی کیفی از روش مطالعه موردی^۱ و مردم‌نگاری^۱ (قوم‌نگاری) به منظور جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل استفاده شد. مطالعه موردی، مطالعه عمیق یک یا چند مورد است که در داخل یک مجموعه کران‌دار و مشخص قرار می‌گیرند. در این روش از منابع اطلاعاتی گوناگون شامل مشاهده، کدگذاری کتب موجود و مصاحبه استفاده می‌شود (کرسول، ۲۰۰۷؛ استیک^۵، ۲۰۰۵؛ یین^۶، ۲۰۰۳). رویکرد مطالعه موردی در دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی نظیر، علوم سیاسی، روان‌شناسی و سایر حوزه‌ها استفاده شده است تا جایی که هامل، دارفور و فورتین (۱۹۹۳) معتقدند که خاستگاه علوم اجتماعی مدرن در مطالعه‌های موردی اولیه‌ای نهفته است که مالینوفسکی از قبایل تروبریانند

یک واقعیت یکسان. بدینسان، رویکرد تفسیری در مقابل رویکرد اثبات‌گرایی اجتماعی قرار می‌گیرد که در پی کشف قوانین از پیش موجود جهان اجتماعی است. رویکرد تفسیری با اصل قرار دادن "شرایط" بر این تصور است که انسان‌ها با توجه به شرایط متفاوت معناهای متفاوتی را می‌سازند و مدل عام و فراگیری از کنش‌های آنان قابل شناسایی نیست، مگر بر اساس شرایط، تجربیات منحصر به فرد زندگی افراد، موقعیت‌ها و وضعیت‌های خاص (دنزین^۱، ۲۰۰۵؛ پتن، ۲۰۰۱؛ نیومن، ۲۰۰۷). با چنین رویکردی شناخت علمی چگونه قابل حصول است؟

در رویکرد تفسیری پژوهش علمی درصدد فهم معنای کنش‌های متقابل معنادار افراد است. بر این اساس، دانش در کنش‌های هر روزه افراد موجود است و در واقع، معرفت و دانش چیزی فراتر از کنش‌های متقابل افراد و زندگی روزمره افراد نیست. بنابراین، دانش عامیانه (معرفت عامیانه) منبع اصلی برای پژوهش به شمار می‌رود و روش‌های علمی باید بر این منابع استوار باشند. در نتیجه، این پیش‌فرض دانش و معرفت به وسیله دانشمندان و نخبگان تولید نمی‌شود، بلکه بر دانش از طریق تمام مردم مدام در حال تولید شدن است. بدین ترتیب، فاعل و مفعول شناخت یکسان شده و محقق خود هم تحقیق‌کننده (کسی که تحقیق انجام می‌دهد) و هم تحقیق‌شونده (کسی که مورد تحقیق قرار می‌گیرد) است. رویکرد تفسیری که کاملاً بر ارزش‌های انسانی و فرایند انسانی تحقیق تکیه دارد، قادر به حذف ارزش‌های اجتماعی نیست (همچنانکه رویکرد اثباتی در پی آن

2 . Turner
3 . Ritzer
4 . Glaser
5 . Stake
6 . Yin

شد. بر این اساس و با شناخت اولیه، پروتکل مصاحبه تنظیم شد. جامعه مورد مطالعه شامل افرادی می‌شوند که در جلسات و گروه‌های «ب» شرکت می‌کردند. در این مطالعه، مشارکت‌کنندگان از سه نفر از شرکت‌کنندگان و اعضای گروه «ب» تشکیل شد. بدین منظور، از نمونه‌گیری هدفمند یا نظری استفاده شد و سپس از نمونه‌گیری گلوله برفی بهره بردیم که در انجام تحقیقات کیفی مطالعه موردی از آن استفاده می‌شود (کرسول، ۲۰۰۷؛ دنزین، ۱۹۹۸؛ نیومن، ۲۰۰۶؛ پتن، ۱۹۸۰). در نمونه‌گیری هدفمند به سراغ افراد مطلع (دروازه‌بانان خبری) می‌رویم که بیشترین اطلاعات را در رابطه با موضوع مورد بررسی و جامعه مورد مطالعه داشته باشند (جانسون^۴، ۱۹۸۹؛ ارلانسون^۵، ۱۹۹۳؛ شاران^۶، ۲۰۰۲). بدین ترتیب، به سراغ فردی آگاه رفتیم و سپس دو نمونه دیگر را از طریق نمونه مطلع به دست آوردیم. بر اساس کرسول (۲۰۰۷) که حجم نمونه مطالعه موردی را بین ۳ تا ۵ مورد بیان می‌کند، در عمل، شرایط جامعه مورد نظر متناسب با حجم نمونه ۳ مورد ارزیابی شد. در میان موارد یک نفر کارشناس روان‌شناسی وجود داشت که داده‌های ظریفی را در اختیار مصاحبه‌کنندگان قرار داد؛ از این رو، پژوهشگران به واسطه اشباع نظری، حجم نمونه برابر با ۳ نفر را انتخاب کردند. بدین ترتیب، داده‌ها برای تجزیه و تحلیل کافی پنداشته شد. از سوی دیگر، اعتبار داده‌ها از طریق روش زاویه‌بندی یا مثلث‌بندی (منابع اطلاعاتی، روش‌ها و طرح‌های نظری

و مکتب شیگاکو در طول دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ انجام داده‌اند. از سوی دیگر، مردم‌نگاری روشی است که در آن در یک محیط اجتماعی گروهی از مردم مطالعه می‌شوند و سعی در فهم معانی فعالیت‌ها و کنش‌های افراد دارد. در این روش، محقق در میدان درگیر می‌شود و در تحقیق از مصاحبه گرفته تا تحلیل سند استفاده می‌کند (کرسول، ۲۰۰۷؛ نیومن، ۲۰۰۶؛ برگ^۱، ۲۰۰۶؛ بریور^۲، ۱۹۹۸؛ ادکینس^۳، ۲۰۰۲).

جامعه مورد مطالعه، روش نمونه‌گیری و شیوه گردآوری داده‌ها، اعتبار داده‌ها و اجرای تحقیق: در آغاز پژوهش، به منظور آشنایی با محیط با افرادی که به طور غیرمستقیم درگیر این موضوع بودند، مصاحبه‌هایی باز و کم عمق به عمل آمد. از سوی دیگر، تعداد درخور توجهی کتاب و آثار تصویری بالغ بر ۴۹۰ مورد، شناسایی شد که روان‌شناسی عامیانه را ترویج می‌کردند. سپس، این آثار در قالب چهار گروه شامل خودشناسی، روابط اجتماعی، مهارت‌های شخصی و موفقیت در کار و زندگی تفکیک شد و در هر گروه کتاب‌های شاخصی تحلیل محتوا شد. برای مثال، از کتاب‌های "آینده خود را خلق کنید" اثر برایان تریسی، "نیروی تخیل مثبت" اثر ژوزف مرفی، "مثبت درمانی" اثر نورمن وینسنت پیل، "صمیمیت، تأثیرگذاری و نفوذ در ۱۰ دقیقه" اثر م. حورایی، "از دولت عشق" اثر کاترین پاندر، "موفقیت نامحدود در ۲۰ روز" اثر آنتونی رابینز، فیلم راز، جلسات سخنرانی آزمندیان و سایر موارد استفاده

4. Johnson
5. Erlandson
6. Sharan

1. Berg
2. Brewer
3. Adkins

چندگانه) (لاتر، ۱۹۹۱ نقل شده در ایمان، ۱۳۸۸: ۱۷۸ و ۱۷۹) به دست آمده است. در واقع با استفاده از مطالعات نظری یا آثار چاپ شده، ویدئوها و سخنرانی‌های موجود، تجربه نگارندگان و سایر موارد قابل ذکر، سعی شد اعتبار تحقیق به روش زاویه‌بندی حاصل شود. اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن اطلاعات جدیدی از مصاحبه‌ها به دست نمی‌آید؛ بلکه تکرار موارد پیشین است. در آغاز، محققان به منظور اجرای تحقیق باید توضیح دهند که چرا رویکرد مطالعه موردی برای تحقیق آنها مناسب است و از آن رویکرد می‌خواهند استفاده کنند. سپس محققان باید مورد یا موارد را مشخص کنند. در مرحله بعد با کاربرد طیف وسیعی از منابع اطلاعاتی، اقدام به جمع آوری داده می‌شود. سپس موردها توصیف می‌شوند و تاریخچه یا آشنایی کلی‌ای از هر مورد عرضه می‌شود. بر این اساس، تحلیل درون موردی یا تحلیل تم‌گونه^۱ (تماتیک یا مضمونی) استفاده می‌شود که به آن تحلیل موردی متقاطع، اظهاری یا تفسیر معنای مورد نیز می‌گویند و در مرحله آخر محقق معنای ذهنی موارد را گزارش می‌کند (کرسول، ۲۰۰۷؛ مریام^۲، ۱۹۹۸؛ استاک، ۱۹۹۵؛ بین، ۲۰۰۳).

تجزیه و تحلیل داده‌ها: مسیر تحلیل داده‌ها بر اساس ماریچ تحلیل داده‌ها که کرسول (۲۰۰۷) و ولکات^۳ (۱۹۹۴) مطرح کرده‌اند، انجام گرفت. ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها، مشاهدات و تحلیل محتوای کتب، سازماندهی و دسته‌بندی شد. مطابق

گفته پتن (۱۹۸۰: ۱۰۳) سعی شد که بیشترین زمان در این مرحله صرف شود (مرور چند باره داده‌های اولیه) تا داده‌ها به دقت بررسی و تحلیل شوند. سپس داده‌ها در ماریچ مدیریت داده قرار دادند و واحدها و فایل‌های مقدماتی از آنها استخراج شد. در مرحله بعد به تفسیر و طبقه‌بندی داده پرداخته شد. سپس سعی در توصیف تم‌های استخراجی برآمدیم و مقولات اولیه را استخراج کردیم. به همراه این امور، به مباحث مربوط به موضوع، نظیر تحلیل محتوای کتب، فیلم، سخنرانی‌ها، زمینه و پیشینه گروه پرداخته شد. در مرحله بعد مقولات را به صورت جدول تنظیم کردیم و تم‌هایی را که مربوط به هر مقوله می‌شد، در زیر آن قرار دادیم. در مرحله پایانی، پس از تفسیر هر مقوله اصلی (شامل پنج مقوله اصلی)، پژوهش برای ارایه به صورت مقاله آماده شد.

توصیف پیشینه و فضای کلاس‌های گروه "ب": سلسله کلاس‌های گروه "ب"، از دوازده سال پیش همراه با آغاز تب اقبال به کتب روان‌شناسی عامیانه به وسیله خانم فریبا در شیراز پایه‌گذاری شد. کلاس‌ها در اقصا نقاط ایران با پذیرش فزاینده‌ای برگزار می‌شد. به گفته حمید، یکی از موارد مصاحبه، فریبا دارای دکترای آنتولوژی است. همچنین، از شاگردان آنتونی رابینز بوده است؛ شخصی که پرفروش‌ترین کتب روان‌شناسی در بازار جهانی را به خود اختصاص داده است. فریبا ادعا می‌کند که با اقتباس مفاهیم موجود در آثار رابینز و تطبیق آن با فرهنگ بومی ایران، این کلاس‌ها را پایه‌گذاری کرده است. کلاس‌ها در میان اعضا به دلیل تاکید بر تقویت توانایی ذهن، نه به عنوان روان‌شناسی عامیانه، بلکه فرا روان‌شناسی شناخته شده است. کتبی که معمولاً

1 . Thematic
2 . Merriam
3 . Wolcott

برای مطالعه به اعضا معرفی می‌شود، کتاب‌های آنتونی رابینز، و کتاب و فیلم راز است و اتکای اصلی بر ایده قانون جاذبه موجود در این کتاب‌هاست. شرکت‌کنندگان به لحاظ سنی در محدوده ۱۸ تا ۶۰ سال قرار می‌گیرند، اما عمده جمعیت کمتر از ۳۵ سال هستند. به گفته موارد مصاحبه، به لحاظ طبقاتی بیشتر شرکت‌کنندگان از طبقات متوسط، متوسط رو به بالا و طبقات بالا هستند. در برخی موارد برای گروه‌های خاص دوره‌های مجزا و مخصوصی برگزار می‌شود. برای مثال، در یکی از دوره‌ها پزشکان، مهندسان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در گروه خاصی دوره پایه را گذرانده‌اند.

این سلسله کلاس‌ها در پنج مرحله با عناوین زیر برگزار می‌شود:

- ۱- پایه
- ۲- پیشرفته ۱
- ۳- پیشرفته ۲
- ۴- پیشتازی
- ۵- بازیکنی

هزینه کلاس‌ها در هر مرحله بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان است. هر دوره بین ۳ تا ۴ روز و روزانه ۱۲ ساعت پیوسته برگزار می‌شود. کلاس‌ها در جمعیت‌های بالا برگزار می‌شود. برای مثال، در دوره‌ای که سارا - یکی از موارد مطالعه - شرکت کرده بود، جمعیت شرکت‌کنندگان نزدیک به ۴۰۰ نفر در یکی از هتل‌های شیراز بودند. فریبا مدیریت جلسه را بر عهده می‌گیرد و سعی می‌کند که دختران در یک سوی سالن و پسران در دیگر سوی قرار گیرند. بنابراین، از اختلاط جنسیتی جلوگیری به عمل

می‌آید. در کلاس، افراد به گروه‌های چهار نفره تقسیم می‌شوند. به همراه هم، با انجام بازی‌هایی که به نوعی بازی‌های زندگی قلمداد می‌شوند، عکس‌العمل‌هایی را در هر موقعیت تجربه می‌کنند (تجارب زندگی به شکل بازی بازنمایی می‌شود و به شکل تئاتر به افراد نشان داده می‌شود و سپس افراد خود در این موقعیت قرار می‌گیرند و در بازی مشارکت می‌کنند. در پایان، رهبر بازی شیوه‌های مناسب بازی از نظر خود یا منابع اطلاعاتی‌اش را شرح می‌دهد). در این کلاس بر نقش احساسات تأکید و آفری می‌شود و به طرق مختلف احساسات افراد تهییج می‌گردد. شرایط به گونه‌ای است که انسجام بین اعضا (از طریق تکنیک‌های یخ شکنی) حاصل می‌شود. افراد در این دوره به همراه موسیقی بسیار بلند و دست زدن هم‌نواپی می‌کنند. مراسمی خاص همچون مراسم سپاسگزاری یا شکرگزاری وجود دارد که هر یک از اعضا با تهیه غذاها و خوراکی‌هایی در آن شرکت می‌کنند. این مراسم درست مشابه یادبودهای دینی مسیحیان است که هر سال همزمان با زاد روز حضرت عیسی و نیز در فرصت‌های گوناگون دیگر که برای یادآوری رویدادهای بزرگ زندگانی او برپا می‌شود (میشل، ۱۳۸۵: ۸۱).

همچنین، بازی‌های گروهی طی دوره نیز به انسجام کمک می‌کند. علاوه بر آن، فریبا به علت توانایی بالا در مدیریت و اثرگذاری کلامی، بدنی و عاطفی به شدت اعضا را جذب می‌کند؛ به گونه‌ای که در هر دوره جمعیتی نزدیک به ۱۰۰ نفر که آن دوره را پیشتر گذرانده‌اند؛ با مشارکت داوطلبانه به عنوان میزبان در سالن کلاس‌ها و با عنوان حامی در خارج

را باز می‌کنند؛ با این تمثیل که اعضا در این دوره تولدی دوباره یافته‌اند و اکنون در این دنیای نوینی که یافته‌اند، می‌خواهند چشمانشان را به روی دوستدار خود بگشایند.

مشارکت‌کنندگان تحقیق شامل: ۱. حمید، که در رده‌های گروه "ب" پس از ۸ سال شرکت مستمر به مرتبه بازیکنی رسیده بود؛ ۲. سارا که دوره پایه را در شیراز گذرانده بود و ۳. محبوبه که خود مشاور بود که به علت افزایش مراجعاتش از گروه "ب" که دچار مشکلات عدیده‌ای شده بودند، در دوره پایه "ب" شرکت کرده بود.

یافته‌ها

پژوهش حاضر بر اساس این پرسش اصلی شکل یافته است که مشارکت‌کنندگان از این کلاس‌ها به چه تم‌ها و مقولات معنایی دست می‌یابند. به بیانی دیگر، مطالعه حاضر در پی فهم معانی ذهنی اعضای کلاس‌های مذکور بوده است. از این رو، همان‌گونه که در قسمت روش‌شناسی تحقیق ذکر شد، بر اساس تحلیل مضمونی^۱ ابتدا تم‌های مقدماتی (مفاهیم اولیه) استخراج شد و سپس تم‌های اصلی شامل پنج تم زیر به دست آمد:

۱- انسان‌محوری:

در این گروه بر اساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان، انسان منشأ و مسؤول تمام امور قلمداد می‌شود. انسان مسیر هستی یا به تعبیر رایج ایشان، کائنات را با انتخاب هر لحظه‌اش مشخص می‌کند. این انتخاب‌ها

از سالن به پذیرایی از شرکت‌کنندگان هر دوره می‌پردازند. به گفته سارا، تمام اعضا تابع هم بودند و همگی از فریبا تبعیت می‌کردند. در کلاس‌ها فریبا مدعی است که حتی قصد آموزش هم ندارد و صرفاً احساسات و رفتارهای فراموش شده دوران کودکی را بیدار می‌کند. راه‌های زندگی را به اعضا نشان می‌دهد و از آنها می‌خواهد که هریک راهی را که خود درست تشخیص می‌دهند، انتخاب کنند. البته، با توجه به شخصیت کاریزماتیک فریبا و فضای احساسی حاکم بر جلسات، انتخاب آزادانه افراد زیر سؤال می‌رود.

از افراد مکرراً خواسته و حتی تعهد (البته شفاهی) گرفته می‌شود که محتوای بازی‌ها و محورهای اصلی کلاس را فاش نکنند، به این علت که مشارکت‌کنندگان آینده، خود شخصا بدون پیش فرض "ب" را تجربه کنند. در میان اعضا این پابندی به خوبی مشاهده می‌شود.

در هر دوره، در روز آخر، جشنی بر پا می‌شود و از افراد خواسته می‌شود که هریک با خرید یک دسته گل و یک کادو در جلسه شرکت کنند. افراد کادو را باید به اعضای گروه خود دهند و دسته گل را به شخصی که در کل جمعیت حاضر به او علاقه‌مند هستند، تقدیم کنند. در نهایت، دوباره گل‌ها جمع‌آوری می‌شوند. این بار هرکس گلی را که دوست دارد، با قیمتی دلخواه خریداری می‌کند. پول جمع‌آوری شده از فروش گل‌ها برای کمک به فقرا هزینه می‌شود. در این جشن هر عضو، دوست یا همسر خود را دعوت می‌کند که در خارج از سالن قرار می‌گیرند. چشم‌های اعضا بسته می‌شود. مهمانان در آخر جشن با ورود به سالن چشمان دوستدار خود

کمال مسیر خودمون رو می‌ریم، ولی بر اساس قوانین خدایی یا نظم طبیعت".

۲- نفی غایت‌گرایی:

در این ایده، انسان برای رسیدن به کمال در این دنیا وجود دارد. اما مقصود و غایتی خاص و متعالی در میان نیست. هر انسانی مسیر خود را انتخاب می‌کند. مهم نیست که هر کس در پی چیست؛ مسیر و کسب لذت از آن است که اهمیت دارد. معیار انتخاب هر هدفی احساس فرد است. در نتیجه، بر اساس سیالیت احساسات و فقدان غایتی برتر، افراد صرفاً قادر به تعیین اهداف کوتاه مدت و در دسترس هستند. رایبیز نیز بر همین مدعا تاکید می‌کند و معتقد است که هر عقیده و باوری صرفاً یک فرضیه است و حقیقت و حکم مطلق نیست (رایبیز، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

سارا می‌گوید: "من کار می‌کردم، ولی بی‌هدف کار می‌کردم. کلاس‌هارو که رفتم، گفتم باید هدف داشته باشم. الان ماشین خریدم، رفتم دنبال چیزی که دوست داشتم. دوست دارم برم از ایران. تلاشم جدی شده". یا حمید بیان می‌کند که: "ما تو این دنیا اومدیم که به کمال برسیم. این کمال غایت یا حد مشخصی نداره که مثلاً بگی به خدا برسی... هر کسی راه خودش رو میره. این کمال مقصد و غایتی نداره. مسیر مهمه، نه نتیجه".

حمید هم می‌گوید: با هر بار تجربه تو زندگی‌ات و احساسی که پیدا می‌کنی یا حس خوبی داری یا ناجور، ولی باز آگاهی پیدا می‌کنی و این مسیر کماله". یا در جای دیگری ذکر می‌کند: "تو آگه تهران رو دوست داری باید تمام انرژی‌ات رو برای رسیدن

در بستری از نظم کلی در جهان در قالب قوانین طبیعت یا قوانین الهی صورت می‌گیرد.

بر این اساس، به علت وجود تفاوت در میان انسان‌ها یا منحصر به فرد بودن هر یک از آدمیان، کائنات یا هستی برای هر یک مسیر خاصی را در پیش می‌گیرد. این ایده بر وجود نظامی از کنش و واکنش تکیه می‌کند. بر این اساس هر احساس، کلام و کنشی در محدوده زندگی حاضر، آماده پاسخ و مجازات است.

در نظر شاکتی از صاحب‌نظران عمده روان‌شناسی عامیانه، تجسم خلاق تنها یک فن نیست، نهایتاً مقامی از دل آگاهی است. آن آگاهی که به شیوه‌ای ژرف در می‌یابیم که خودمان آفریدگاران بی وقفه عالم خویشیم، و تمام لحظه‌ها این مسؤولیت را می‌پذیریم (شاکتی، ۱۳۷۶: ۱۶۳-۱۶۵).

برای مثال، محبوبه می‌گوید: "اینها به شخصیت اصالت می‌دهند، می‌گویند تو مسیر کائنات رو تعیین می‌کنی". یا سارا خاطر نشان می‌کند که: "اون چیزی که می‌خوام، اون چه که در فکر من هست، همون اتفاق می‌افته و غیر از این نیست. تمام کارها رو خودت انجام میدی" یا وی در جای دیگری ذکر می‌کند که "شعار تو "ب" این بود که "من هستم، من می‌توانم".

- حمید می‌گوید: "تو کائنات یک نظم کلی که تو جزئی از اون هستی، وجود داره. تو هر کاری که می‌کنی روح یا خدا می‌فهمه و جواب داره. برای هر کار ناجوری که می‌کنی، خب باید مجازات بشی. هر کدام از ما یک استتنتا تو دنیا هستیم. هر کدام برای

ناهمنوایی می‌شوند. این شرایط زمینه را برای انزوا، گوشه‌گیری یا پرخاشگری افراد فراهم می‌کند.

"هر عقیده‌ای یک ایده شخصی است. می‌توان در ذهن خود فرضیاتی ساخت که قدرت و نیرو به فرد می‌بخشند" (رابینز، ۱۳۸۶: ۲۲۳). منظور کاوی نیز از برداشت "شیوه نگرش ما به جهان و امور و نقش خودمان است. برداشت‌های ما- خواه درست و خواه نادرست- منشأ گرایش‌ها و رفتارها و در نتیجه منشأ روابطمان با دیگران است" (کاوی، ۱۳۷۵: ۱۰).

برای مثال، حمید می‌گوید: "ما چون داریم بر اساس باورهایی که از دیگران و از کودکی یاد گرفتیم، فکر می‌کنیم و رفتار می‌کنیم، تو روابطمون دچار مشکل، سوء تفاهم و... می‌شیم. همه اینارو باید بگذاریم کنار. تو موقعیت رو حساب احساس متقابلمون با دیگران رابطه داشته باشیم، اما بچه‌ها بعد از این دوره وقتی بر می‌گردند تو اجتماع، چون دیگران مثل اونها فکر نمی‌کنند، چون دیگه بچه‌ها از باورهای اونها پیروی نمی‌کنند؛ باهاشون مشکل پیدا می‌کنن".

محبوبه هم معتقد است: "تو این کلاس‌ها بیش از اندازه دنبال شست و شوی کامل ذهن از گذشته، ارزش‌ها و باورها هستن". یا در جای دیگری می‌گوید: "تو بازی برنده برنده، هر کس هر کاری بکنه، در جایگاه برنده است. هر تصمیمی می‌گیری، درست است. باید و نبایدی نیست". وی نیز همچون حمید اعتقاد دارد که: "افراد پس از شرکت در کلاس دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند. بلافاصله پس از اتمام، احساس اعتماد به نفس کاذبی می‌کنند که به خودشون حتی اجازه هر کاری می‌دهند، دو هفته تا یک ماه شاد هستند، اما بعد دچار افسردگی و

به اونجا بگذاری و از کاری که می‌کنی، لذت ببری؛ نه این که به نتیجه کار فکر کنی که مثلاً شاید تو تهران فلان مشکل پیش بیاد. ما مشکلمون اینه که نتیجه‌گرا هستیم".

۳- اصالت نگرش و نفی بایدها و نبایدها:

در این ایده، اساس کنش‌ها، رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها، ارزش‌ها و باورهای افراد قلمداد می‌شود. بنیان تغییر رفتار انسان را در تغییر نگرش او می‌دانند. از طرفی، علت اختلالات در رابطه و تعامل و همچنین، بروز رفتارهای ناخوشایند را باورها و ارزش‌ها و هنجارهای رایج و نشأت گرفته از پیشینیان می‌دانند. در نتیجه، راه حل را در نفی تمامی ارزش‌ها، باورها به عنوان پیش‌فرض کنش و تفکر می‌یابند. در واقع، هرگونه باید و نبایدی فراتر از موقعیت تعامل را رد می‌کنند. این ایده به محدوده‌ای که برای انتقاد قائل هستند، تسری می‌یابد. به لحاظ عملی، در کلاس فضا برای مباحثه و نقد مطالب به وسیله مربی فراهم است. به علاوه، به لحاظ نظری، انتقادی که از منظری برتر عرضه شود و به صورت ضمنی معنایی تکلیف‌گونه داشته باشد، طرد می‌شود. در عمل، در فضای جامعه چون اعضای "ب" ارزش‌ها و باورهای رایج را نفی می‌کنند، آنها را به عنوان ضد ارزش می‌شناسند. همچنین، به علت فقدان بستر مشترک ارتباطی، افراد گروه در ارتباط با دیگر افراد جامعه دچار مشکل می‌شوند. در نتیجه، یا ایده‌های "ب" را صرفاً در میان همگروهی‌های خود اجرا می‌کنند و در جامعه از ارزش‌های رایج پیروی می‌کنند؛ یا در رابطه با دیگران دچار تناقض و

و احساس وادارش کرده، می‌بخشه. دیگه رفتارهای بدش رو کنار می‌گذاره، خودش رو کنترل نمی‌کنه، براساس اونچه که احساس می‌کنه عمل می‌کنه، فکر می‌کنه. این شخص با برگشت به محیط اولی دیگه پذیرش نداره، چون مثل دیگرون فکر نمی‌کنه... غیر از این که بتونه از رودخانه بین دو جامعه بگذره و به جامعه‌ای که مثل خودش براساس "ب" فکر می‌کنه، برسه...".

سارا می‌گوید: "یک عده‌ای بحث‌ها رو نمی‌پذیرفتند، فریبا باهاشون صحبت می‌کرد و می‌گفت نمی‌خوام تو بپذیری. تو اول دلایلت رو به من بگو، بعد من دلایلم رو بهت می‌گم، یا من تو رو قانع می‌کنم یا تو من رو. اگه هیچ کدوم هم نتونستیم، مهم نیست. سعی می‌کرد منطقی توجیهشون کنه. خیلی‌ها که اول مخالف بودند، بعد موافق می‌شدند. بحث این نبود چیزی به ما یاد بده، می‌گفت من راه‌ها رو به شما می‌گم، شما انتخاب می‌کنید کدوم رو انجام بدید یا ندید. بکن نکن یا باید و نباید اصلا نبود".

حمید می‌گوید: "فقط بخشی از انتقاد می‌تونه سازنده باشه وگرنه تو وقتی داری از کسی انتقاد می‌کنی؛ یعنی من از تو بیشتر می‌دونم و تو نمی‌دونی. یه وقت‌هایی هم یه جور دلسوزی هست که انگار آدم‌ها رو می‌خوای اون طور که تو درست می‌دونی، جهت بدی که این سازنده و درست نیست".

۴- احساس محوری (معیار قرار دادن احساس)

در امتداد نفی هرگونه غایت و نفی تمام پیش فرض‌ها، ارزش‌ها و باید و نبایدها، در جهان مورد تصور "ب" که خود انسان با تصمیم‌ها و احساساتش

سردرگمی می‌شوند، بعد ارزش‌های قبلی‌شون به ضد ارزش تبدیل میشه و برعکس. خودشون رو زیر سؤال می‌برند و با خانواده، دوستان و ... دچار تقابل همراه با تعارض می‌شوند".

سارا می‌گوید: "با دوستانم که "ب" رفتند، وقتی هستم آرام هستم، با اونها که حرف می‌زنی مثل خودت هستند، اما با کسای دیگه‌ای که حرف می‌زنی، تو ذوقت می‌خوره".

محبوبه می‌گوید: "شعاری اینها دارند که: "من حرف تو رو می‌شنوم، تو حرف من رو می‌شنوی، می‌پذیرمت". در عمل اینها بین حس خودشون و آنچه که اون‌ها می‌گویند، می‌موند. از طرفی، چون مسئول همه چیز خودشون حساب می‌شدند، خیلی روشون فشار می‌آید".

حمید همچنین در رابطه با مشکلات پس از کلاس‌ها می‌گوید: "چون تو دیگه مثل دیگران فکر نمی‌کنی، باورهای اونها رو کنار گذاشتی، ممکنه مشکل پیدا کنی. زن و شوهرهایی هستند که پس از شرکت تو "ب" طلاق گرفتند، چون فهمیدند که دیگری خود واقعی‌اش رو به اونها نشون نداده".

در قسمتی دیگر وی متذکر می‌شود: "اگه بخوای بدونی کسایی که "ب" اومدند، دنبال چی هستند، چه وضعیتی دارند، میشه یه مثال بزنم: ما دوتا جامعه داریم: یکی که سنتی است و از هر نوع تغییری دوری می‌کنه، افراد دنبال تأیید همدیگه هستند، هر چیزی سر جای خودش، همه رو حساب باورهایی که از بچگی یاد گرفته‌اند، عمل می‌کنند، تعامل دارند با هم صحبت می‌کنند. کسی که "ب" اومده، با بازیها به کودکی‌اش برمی‌گرده. اون عاملی را که به فلان رفتار

وی همچنین می‌افزاید: "عشق یکی از صفات خدایی است که در مقابلش نفرت است که صفتی شیطانی است. این دوتارو همیشه با هم داشته باشی. اگه می‌خوای عشق داشته باشی، باید نفرت رو از بین ببری. "ب" سعی می‌کنه با بازی‌هایی که مثل بازی زندگی است یا مثل یک فشرده شده چله نشینی است، تو رو به اون احساس نزدیک کنه."

در رابطه با مواجهه با فرایندهای جسمی، معتقد است: "بیماری یعنی بیم آری، یعنی چی؟ یعنی تو چون ترس یا حس ناخوشایندی رو به ذهنت راه دادی، سلامتی‌ات رو از دست دادی و بیمار شدی". بیماری پیامی دارد و آن این است که باید آرام‌تر باشیم و مدتی را با ضمیر باطن خود بگذرانیم. بیماری و تصادف پیام و نشانه آن است که باید مفاهیم و عقاید و اندیشه‌هایمان را عوض کنیم یا به حل مسأله‌ای ژرف و درونی پردازیم. خود را باید در سلامتی کامل ببینیم. این ذهن ماست که تن و جسم ما را به سمت بیماری یا سلامتی می‌برد (شاکتی، ۱۳۷۶: ۸۲-۸۸).

۵- برخورد احساسی نسبت به ظلم

در این ایده بر اساس جهان پیش‌فرض گروه، هر کنشی، واکنشی را در پی دارد. این رابطه در قلمرو احساس هم وجود دارد. مسؤولیت هر شرایطی نیز به عهده خود افراد، احساسات و تصمیمات آنهاست. از این رو، افراد خود را مقصر می‌پندارند، زیرا فقدان آگاهی و تصورات منفی خود را علت ظلم می‌پندارند. در نتیجه، برای دوری از انرژی‌های منفی و پیشامد نامناسب برای خویش، سعی می‌کنند به

مسیر هستی را می‌سازد، افراد برای یافتن معیار تصمیمات و کنش‌های خود، به محاسبه احساسات خویش و احساسات متقابل در موقعیت رهنمون می‌شوند. این احساسات در قالب اصطلاحات ناراحتی و خوشی یا عشق و نفرت بیان می‌شود. در کل، چون ملاک صرفاً "احساست فرد" است، هر تصمیمی مناسب و درست قلمداد می‌شود. از طرفی، هر وضعیت نامناسبی، از جمله شرایط روانی و فیزیکی بر اساس نوع احساس فرد تبیین می‌شود.

من معتقدم رفتار آدمی تحت کنترل دو نیروست. به عبارت دیگر، دو نیروی کششی ما را در مسیر زندگی به جلو یا عقب می‌برند: فرار از ناراحتی و اشتیاق رسیدن به خوشی. این دو نیرو عامل اصلی حرکت هر بشری در این دنیا هستند. این دو نیرو زندگی شما را در کنترل دارند، گاهی شما را به جلو می‌رانند و گاه مانع حرکتتان می‌شوند. همواره به خاطر داشته باشید، هر کاری در زندگی انجام می‌دهید، برای دوری جستن از ناراحتی و یا برای دست یافتن به خوشی است (رابینز، ۱۳۸۶: ۴۶).

اندیشه عشق و نفرت به طور همزمان نمی‌تواند در ذهنتان وجود داشته باشد، پس هرگاه به یکی از آنها سرگرم باشید، قطعاً دیگری غایب است. به دیگران اعتماد کنید و اقتدار ناشی از عمل را صرف توکل به خدا کنید. این کار سرشار از جادوست: معجزه‌ها و شگفتی‌ها می‌آفریند. محبت و اعتماد، نیروهایی پویا و زنده‌اند (کاترین، ۱۳۸۴: ۸۵-۸۷).

حمید می‌گوید: "تو هر بار که تصمیمی می‌گیری، کاری می‌کنی، رو حساب احساسات می‌فهمی که کار درستی کردی یا نه، بعد که تجربه کردی، این رو می‌فهمی".

چیزی که نمی‌خواست، چیزی که ازش می‌ترسید و ازشون دوری می‌کرد، گرفت و به چیزی که واقعا می‌خواست داد.

بسیار خوب، کافی است... مسلما اکنون تمام شما احساس اندوه می‌کنید، اما می‌توانید درباره تمام خوشی‌های جهان فکر کنید. میلیون‌ها نکته برای خوشی وجود دارد که هر روز آنها را با صافی ذهن خود حذف می‌کنید و به آنها اجازه خودنمایی نمی‌دهید. دریچه ذهن خود را به روی نکات عالی زندگی بگشایید. درباره تمام نکات مفیدی فکر کنید که در طی این چند روز آموخته‌اید. درباره کسانی بیندیشید که شما را دوست دارند. توجه خود را بر توانایی‌های بی‌شماری متمرکز کنید که در مقام انسان در وجود شما به ودیعه گذاشته شده است. راجع به موهبت نفس کشیدن فکر کنید. راجع به خالق خود بیندیشید. تصور کنید ارتباط با او تا چه اندازه موجب خوشی و رضایت است. می‌توانید فکر خود را بر نوزادانی متمرکز کنید که هم اکنون به دنیا می‌آیند و آینده‌ای بسیار دلپذیر را در دنیا می‌سازند (رابینز، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

برای از بین بردن وضعیت سخت ذهنی باید افراد را بخشید و گرایش‌های منفی را از ذهن و تن دور کرد (کاترین، ۱۳۸۴: ۵۲-۵۵).

محبوبه معتقد است: "اینها نسبت به خودشون شرایط اجتماعی انفعالی پیدا می‌کنند". سارا نیز با داشتن دیدگاهی یکسان می‌گوید: "مشکلات رو تو خودتون حل کنید، نه اینکه دنبال مشکلاتون تو دیگران باشید. علت اصلی ناراحتی ما اینه که ما از

وجود شرایط ظالمانه، همچون فقر و تضاد طبقاتی در پیرامون فکر نکنند و حتی انکار کنند. همچنین، هیچ‌گونه کوششی برای اعتراض یا تغییر اصلاح‌گراانه محیط و شرایط ظالمانه در مورد خود پیش نمی‌گیرند؛ بلکه، سعی می‌کنند نگرش منفی خود را تغییر دهند، بر احساسات مثبت و خوشایند تمرکز کنند. از سوی دیگر، برای دوری از رفتارهای ناخوشایند بر بخشش تاکید می‌کنند.

بیل هریس در فیلم *راز* می‌گوید: من یه شاگرد داشتم به اسم رابرت. رابرت خیلی افسرده بود... اون تو محل کارش همه برای آزار اون دست به یکی کرده بودند. به خاطر رفتار بدی که باهاش داشتند، همیشه زیر فشار بود. خودش می‌گفت وقتی تو خیابون راه میره، سر هر چهارراه با افراد مزاحمی رو به رو میشه که می‌خوان به طریقی آزارش بدن... من سعی کردم بهش یاد بدم اون داره روی چیزی تمرکز می‌کنه که نمی‌خواد رخ بده... وقتی رو یک چیزی با احساسات شدید متمرکز می‌شید، باعث میشه اون چیز سریع تر رخ بده. از اونجا اون شروع کرد به تمرکز رو چیزی که می‌خواد. چیزی که در حدود شش تا هشت هفته دیگر اتفاق افتاد، بدون شک معجزه بود!!! اون می‌گفت تمام افرادی که تو محل کارش آزارش می‌دادند، یا به بخش منتقل شدند یا از کار برای شرکت استعفا دادند یا کاملا دست از سرش برداشتند... اون متوجه شد دیگه وقتی تو خیابون قدم می‌زد، دیگه هیچ کس جلوش رو نمی‌گرفت، دیگه کسی بهش بی‌احترامی نمی‌کرد... تمام زندگیش متحول شد، چون تمام تمرکز فکریش رو از تمام

بازی‌ها برگرده به کودکی‌اش و مادرش رو ببخشه، بخشش واقعی؛ تا اون احساس منفی از بین بره".

بحث

همان‌طور که محبوبه می‌گفت: "این انجمن فاقد بنیان تئوریک است. در واقع، مخلوطی از گرایش‌های انسان‌گرایانه و آزادی‌طلبانه غرب و نگاه عرفانی فرهنگ شرق است و صرفاً براساس نیاز بازار و جامعه اقتباس شده است".

بر اساس پاسخ‌های موارد مطالعه، عمده نیازهای مشارکت‌کنندگان، مشکلات خانوادگی؛ بی‌هدفی، ناامیدی و اختلال در ارتباط بود. محبوبیت چنین گروه‌هایی را می‌توان در رابطه با بستر اجتماعی مقوم چنین ایده‌هایی توضیح داد. مشخصه بارز این دیدگاه، گذشته از در محور قرار دادن انسان و احساسات او، نفی تمامی ارزش‌ها، باورها و باید و نبایدهای غالب است. این نگرش با نفی تمامی پایه‌ها و پیش‌فرض‌ها حتی از کتب رایج روان‌شناسی عامیانه هم تخطی کرده است و گاهی بسیار فراتر از آنها عمل کرده و خود موضوع‌ها و مباحث متفاوتی را به اعضای گروه عرضه می‌کنند.

گروه "ب" در قالب روان‌شناسی عامیانه، کلاس‌هایی در اقصا نقاط ایران در جمعیت‌هایی نزدیک به ۴۰۰ نفر برگزار می‌کند. از مشخصات اساسی این گروه فضای دوستانه و انسجام میان اعضا طی کلاس و پس از آن و همچنین شخصیت کاریزماتیک و تاثیرگذار مربی گروه است. پنج تم عمده بر اساس مصاحبه‌ها در این گروه استخراج شد. این تم‌ها را می‌توان در قالب زنجیره‌ای از ایده‌ها که هر یک پایه دیگری است، تصور کرد: تم انسان

هم توقع داریم؛ آگه توقع نداشته باشیم، از هم ناراحت نمی‌شیم".

یا حمید می‌گوید: "ظلم دو حالت داره: یا تو آگاهی داری، ولی کس دیگه‌ای چون زور داره، حقی از تو می‌گیره (و چیزی از عکس‌العمل لازم این موقعیت نمی‌گه)؛ حالت دیگه اینه که تو چون آگاهی نداری، بر اساس قانون جذب یه نفر که از این ناآگاهی استفاده می‌کنه، به تو جذب می‌شه و حقی از تو می‌گیره. تو این حالت، تو باید بپذیری که ناآگاه بودی".

سارا در این رابطه می‌گوید: "ظلم می‌تونه عاطفی باشه یا مالی یا چیز دیگه. من خودم شخصا می‌گذرم و به روی طرف نمی‌پارم. واقعا آه می‌کشم و می‌دونم بلایی که سر من آورده، سر خودش هم می‌آد. من بیشتر یاد گرفته‌ام ببخشم تا اون یه چیزی بگه من ده تا بگذارم روش بدم بهش.... آگه شرایط حاد باشه، طرف هیچی حالیش نباشه، باید بهش بگی این کاری که تو می‌کنی درست نیست".

حمید می‌گوید: "ما هر رفتاری که داریم، از نگرش و احساس ماست که اون احساس هم از احساسی است که تو دوره کودکی برای ما پیش اومده؛ مثلاً آگه کسی اعتماد به نفس کمی داره یا خجالتیه یا پرخاشگره و به خاطر اینه وقتی تو بچگی یه کاری کرده؛ مثلاً مادرش دعواش کرده، اون هم دیگه ترسیده شده و مرتب خودش رو کنترل کرده و تو بزرگی به یه آدم خجالتی یا پرخاشگر تبدیل شده. حالا باید برای تغییر احساس و رفتارش با این

محوری، با قرار دادن انسان در سرچشمه امور، مسؤولیت برجسته‌ای برای او در نظر می‌گیرد. البته، تصویری از شرایط بی‌ثبات و بی‌نظمی عرضه نمی‌کند. در کل، به وجود نظم کلی در قالب قوانین طبیعت تکیه می‌کند. برای چنین انسانی همچون نحله‌های دیگر، هدفی کلی به عنوان کمال در نظر می‌گیرد؛ اما کمالی فارغ از غایتی متعالی و برتر قائل می‌شود. در واقع، رسیدن به کمال همان تجربه‌های معمول زندگی روزانه هستند. انسان در فقدان غایت رو به سوی اهداف کوتاه مدت در دسترس رهنمون می‌شود. پذیرش این تم در بستر جامعه کوتاه‌مدت ایران (کاتوزیان، ۱۳۸۰) می‌تواند بخوبی در سطح خرد زمینه تداوم و بازتولید آن را فراهم سازد. بدین ترتیب، افراد با پذیرش و تجربه برنامه‌ها و تصمیمات کوتاه‌مدت در زندگی خود، تصویری مبهم از برنامه‌ریزی بلندمدت و استلزامات ساختی و ذهنی آن خواهند داشت؛ چنانکه اندرو سایر (۲۰۰۵) ادعا می‌کند که شرایط و روابط در سطح کلان و در قلمرو نهادها، بازتولید تجربه و نوع روابط مردم در زندگی روزمره و در سطح خرد است. در سومین تم اصلی، بر اهمیت نگرش‌ها در انجام امور و تعاملات تأکید می‌شود. به علاوه، باورهای پیشینیان به عنوان عامل اختلال روابط نفی می‌شود. تمامی ارزش‌ها، باورها و هنجارها به عنوان پیش فرض رد می‌شود. در نتیجه، هرگونه آموزشی بدون انتخاب رد می‌شود و انتقاد تکلیف‌گونه‌ای که در آن احساس و تفکر متقابل نفی شود، مورد تردید قرار می‌گیرد.

قلمداد می‌شود. بر اساس خوشایند یا ناراحت کننده بودن احساس، هر تصمیمی ارزیابی می‌شود. به دلیل اتکا به احساس موقعیتی و رد هرگونه غایتی، دوباره افراد به اهداف کوتاه مدت روی می‌آورند. این احساس محوری و انسان محوری فرد را به پذیرش ظلم و پاسخ احساسی و حتی نفی ظلم سوق می‌دهد، زیرا خود و احساسات خود را دلیل ظلم می‌دانند. نهایتاً با تأکید بر محبت غیر شخصی و به دور از وابستگی، فرد در عین اتخاذ تصمیمات فردمحور، به منفعت طلبی صرف هدایت نمی‌شود.

با توجه به تأکید فراوانی که در جامعه بر روی انجام هنجارهای رسمی و از پیش تعیین شده اجتماعی وجود دارد و معمولاً سطح انعطاف‌پذیری در شکستن هنجارهای رسمی از سوی نهادهای قانونگذار پایین است، می‌توان پذیرش این گروه‌ها را به عنوان طغیانی علیه هنجارهای رسمی فزاینده قلمداد کرد. از سوی دیگر، رد غایت‌گرایی را می‌توان به نوعی پاسخ به رشد فزاینده و پافشاری رسمی بر ارزش‌های مطلق محسوب کرد. با وجود چنین ریشه و بنیانی، این جریان به شکل یک نارضایتی انزواطلبانه ظاهر شده است؛ چنانکه، در برابر شرایط ظالمانه و ناعادلانه بنا به مضمون اصلی احساس محوری، اعضا واکنش احساسی و تمرکز ذهنی در انزوا را ترجیح می‌دهند. بدین ترتیب، گوشه‌گیری خود را از محیط توجیه می‌کنند. این دیدگاه در بستر تاریخی ایران به خوبی می‌تواند زمینه بازتولید فرقه‌گرایی را فراهم کند؛ زیرا اعضای گروه «ب» ارزش‌ها و هنجارهای معمول و حاکم بر جامعه را نفی می‌کنند، به واسطه اختلال در روابط خود و

محوری، با قرار دادن انسان در سرچشمه امور، مسؤولیت برجسته‌ای برای او در نظر می‌گیرد. البته، تصویری از شرایط بی‌ثبات و بی‌نظمی عرضه نمی‌کند. در کل، به وجود نظم کلی در قالب قوانین طبیعت تکیه می‌کند. برای چنین انسانی همچون نحله‌های دیگر، هدفی کلی به عنوان کمال در نظر می‌گیرد؛ اما کمالی فارغ از غایتی متعالی و برتر قائل می‌شود. در واقع، رسیدن به کمال همان تجربه‌های معمول زندگی روزانه هستند. انسان در فقدان غایت رو به سوی اهداف کوتاه مدت در دسترس رهنمون می‌شود. پذیرش این تم در بستر جامعه کوتاه‌مدت ایران (کاتوزیان، ۱۳۸۰) می‌تواند بخوبی در سطح خرد زمینه تداوم و بازتولید آن را فراهم سازد. بدین ترتیب، افراد با پذیرش و تجربه برنامه‌ها و تصمیمات کوتاه‌مدت در زندگی خود، تصویری مبهم از برنامه‌ریزی بلندمدت و استلزامات ساختی و ذهنی آن خواهند داشت؛ چنانکه اندرو سایر (۲۰۰۵) ادعا می‌کند که شرایط و روابط در سطح کلان و در قلمرو نهادها، بازتولید تجربه و نوع روابط مردم در زندگی روزمره و در سطح خرد است. در سومین تم اصلی، بر اهمیت نگرش‌ها در انجام امور و تعاملات تأکید می‌شود. به علاوه، باورهای پیشینیان به عنوان عامل اختلال روابط نفی می‌شود. تمامی ارزش‌ها، باورها و هنجارها به عنوان پیش فرض رد می‌شود. در نتیجه، هرگونه آموزشی بدون انتخاب رد می‌شود و انتقاد تکلیف‌گونه‌ای که در آن احساس و تفکر متقابل نفی شود، مورد تردید قرار می‌گیرد.

در پایان، احساس فردی و احساس متقابل در هر موقعیتی به عنوان ملاک صحت هر تصمیم و کنشی

<http://www.seemorgh.com/culture/default.aspx?tabid=2064&conid=30079>

شاکتی، گ. (۱۳۷۶). *تجسم خلاق، ترجمه: گیتی خوشدل، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ هشتم.*

رایبزنز، آ. (۱۳۸۶). *موفقیت نامحدود در ۲۰ روز، ترجمه: فریبا جعفری، تهران: انتشارات نسل نواندیش، چاپ چهاردهم.*

ماکسول، م. (۱۳۸۶). *سایبرنتیک روان، ترجمه: حسن حق شناس، تهران: انتشارات توانگر، چاپ اول.*

میشل، م. (۱۳۸۵). *انسان و ادیان: نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، ترجمه: مهران توکلی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.*

همایون کاتوزیان، م. (۱۳۸۱). *تضاد دولت و ملت؛ نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.*

واعظی، م. (۱۳۸۹). *سرانه مطالعه در کشور، نقل شده در سایت*

www.jahannews.com/vdcjiveviuqexmz.fsfu.html
Adkins, L (2002). *Reflexivity and Politics of Qualitative Research*, In: *Qualitative Research in Action*, edited by Tim May, 2002, London: Sage Publication Ltd.

Berg, B (2006). *Qualitative Research Methods for the Social Science's*, New York: Allyn and Becon.

Blaikie, N. (2007). *Approaches to Social Inquiry*, London: Polity Press.

Brewer, J (1998). *Ethnography*, London: Open University Press.

Creswell, J. W. (2007). *Qualitative Inquiry & Reasearch Design*, Second Edition, California: Sage Publication Ltd.

Denzin. N & Lincoln, Y (1998). *Landscape of Qualitative Research: Theories and Issues*, London: Sage Publications.

Denzin, N & Lincoln, Y (2005). *The Sage Handbook of Qualitative Research*, Third Edition: London, Sage Publication.

همنویایی با جامعه به گوشه‌گیری روی می‌آورند و رضایت و آرامش خود را در روابط بین همفکران خویش می‌یابند. از این رو، زمینه برای تشکیل مجامعی مشابه فرقه فراهم می‌گردد. سلسله مراتب موجود در این گروه و دشواری دسترسی به جمع‌های مراتب بالاتر، یادآور فرقه‌های صوفیانه و شبه‌سیاسی تاریخ ایران است. از دیدگاهی معتدل‌تر، در این رویکرد فردگرایی مفیدی بر اساس محبت غیر شخصی و فارغ از وابستگی مرسوم جمع‌گرایی و عاری از منفعت‌طلبی رایج فردگرایی منفعت محور، حداقل در سطح نظری وجود دارد و برای ظهور یک فردگرایی اعتدال‌گرایانه در جامعه می‌تواند مفید باشد. از طرف دیگر، فضای مناسب موجود برای بحث و انتقاد در این کلاس‌ها می‌تواند محیطی سازنده برای مشارکت‌کنندگان جهت تجربه انتقاد فارغ از جهت‌دهی و تکلیف محوری باشد. در حقیقت، این دیدگاه به عنوان یک دیدگاه التقاطی حاصل از تجمیع نظرهای متضاد از آیین‌ها و شبه علوم مختلف می‌تواند زمینه فردگرایی در سطح جامعه و جمع‌گرایی در بین اعضای گروه را فراهم کند.

منابع

استیون، ک. (۱۳۷۵). *هفت عادت مردمان موثر، ترجمه گیتی خوشدل، تهران: نشر پیکان، چاپ دوازدهم.*

پاندر، ک. (۱۳۸۴). *از دولت عشق، ترجمه: گیتی خوشدل، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ سی و هشتم.*

سهرابی، م. (۱۳۸۷). *پرفروش‌ترین کتاب سال ۱۳۸۷، در سایت اینترنتی:*

- Hamel, J., D., Fortin, D. (1993). *Case Study Methods*, Newbury Park, California: Sage Publication.
- Johnson, J (1989). *Selecting Ethnographic Informants*, London: Sage Publication.
- Maxwell, J (2004). *Qualitative Research Design: An Interactive Approache*, Second Edition, London: Sage Publications.
- Merriam, S, B. (1998). *Qualitative Research and Case Study Application in Education*, San Francisco: Jossey-Bass Publication.
- Neuman, L. (2007). *Basics of Social Research: Qualitative and Quantitative Approaches*, Second Edition, New York: Allyn & Bacon.
- Neuman, L. (2006). *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, Fourth Edition, London: Allyn and Bacon.
- Patton, M. (1980). *Qualitative Evaluation Methods*, Beverly Hills, California: Sage Publication.
- Patton, M. (2001). *Qualitative Research & Evaluation Methods*, London: Sage Publications.
- Richard, S. (1998). *The scientific credibility of folk psychology*, New York: ProQuest social science journals.
- Ritchie, J & Lewis, J (2005), *Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers*, London: Sage Publication
- Ritzer, G. (2004), *Modern Sociological Theory*, London: McGraw-Hill College Publisher.
- Sayer, A. (2005). *The Moral Signifiant of Class*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Schutt, R. (2004). *Investigating the Social World: the Process and Practice of Research*, Fourth Edition. London: Pine Forge Press.
- Sharan, M. (2002). *Qualitative Research and Case Study: Applications in Education*, San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- Stake, R. (1995). *The Art of Case Study Research*, London: Sage Publications.
- Stake, R. (2005). *Qualitative Case Studies*, In N.K. Denzin & Y.S. Lincoln (Eds.), the sage handbook qualitative research, California: Sage Publication, 443-466.
- Eeckardt. V.B (1998). *Folk Psychology*, In : *A Companion to the Philosophy of Mind* ,Samuel Guttenplan ed., London: Blackwell Publications.
- Erlandson, D (1993). *Doing Naturalistic Inquiry*, London: Sage Publications,
- Glaser, B (2001). “*The Grounded Theory Perspective: Conceptualization Contrasted With Description*”, London: Sociology Press.
- Turner, J. (2003). *Structure of Sociological Theory*, New York: Wadsworth Publication.
- Wolcott, H. F. (1994). *Transforming qualitative data: Description, analysis and interpretation*, California: Sage Publication.
- Yin, R. K. (2003). *Case study research: Design and Method* (3rd Ed), Thousand Oaks, California: Sage Publication.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی